

طراحی برنامه درسی

مروری بر سطوح و رویکردها

برنامه آموزشی و ریزی

میمنت عابدینی پلترک
دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی
دانشگاه اصفهان
سیروس منصوری
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

اشاره

ارزش‌ها و انتظارات از جامعه و آموزش مدرسه‌ای
۴. تأکید روی اکتساب دانش و نقش اصلی موضوع (کلاین، ۱۹۹۱).

رویکردها و سطوح برنامه‌های درسی مورد نظر کلاین

● رویکرد سنتی: در این رویکرد، بر موضوع درسی سازمان یافته، غالباً به شکل دیسیپلین، بروندها و فرایندهای برنامه درسی تأکید می‌شود. بروندها برنامه درسی بیش از هر چیز با مجموعه دانش از پیش تعیین شده هم‌خوانی دارد که به منظور رشد توانمندی‌های عقلانی فراگیرندگان پیش‌بینی می‌شود. برنامه درسی قبل از کلاس درس به‌دقت طراحی و سازمان‌دهی می‌شود: اهداف کلی و جزئی مشخص می‌شوند، محتوا انتخاب می‌شود و به شکل منطقی سازمان می‌یابد، معلمان برای ارائه کارآمد و اثربخش محتوا آموزش می‌بینند و یادگیری فراگیرندگان به شکلی عینی است (کلاین، ۱۹۹۱). در اینجا معلم انتقال‌دهنده برنامه درسی محسوب می‌شود و در سطح بالاتری از قدرت کلاس قرار دارد. از معلمان انتظار می‌رود برنامه درسی را به شکلی وفادارانه

در شماره پیش، نظر کلاین درباره انواع الگوهای طراحی برنامه درسی، حاصل مرور وی از الگوهای موجود، معرفی و به‌طور مشروح درباره آن بحث شد. در آن مقاله ویژگی‌های سه الگوی اساسی طراحی برنامه درسی یعنی الگوی مبتنی بر موضوعات درسی، الگوی مبتنی بر دانش آموز و الگوی مبتنی بر جامعه را برشمردیم، ضمن آنکه مزیت‌ها و ضعف‌های هر یک را نیز گفتیم. در این مقاله، خلاصه‌ای از نظر کلاین در باب رویکردها به برنامه درسی که از کتاب مشهور او با عنوان «رویکردها به برنامه درسی، نظریه و عمل» برگرفته شده است ارائه می‌شود.

کلید واژه‌ها:

رویکردهای برنامه درسی، رویکرد سنتی، رویکردهای فهم خود، نقش معلم، اجتماعی، آرمانی، درسی، اجرایی و تجربی، سطوح برنامه درسی

سرآغاز

آشنا شویم. کلاین نتیجه کار خویش را بدین صورت عنوان کرده است که هیچ روش واحدی در برنامه درسی وجود ندارد که از همه لحاظ مثبت و کارآمد باشد و به‌کارگیری آن به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان منجر شود. وی اظهار می‌کند که تحقیق و پژوهش در زمینه روش‌ها و رویکردهای جایگزین معنی‌دار را باید ادامه داد. بر این اساس، دانش‌آموزان و معلمان برای به اجرا درآوردن برنامه‌های درسی باید به رویکردها و روش‌های متفاوت توجه کنند.

چهار زمینه مهم و قابل توجه از نظر کلاین به قرار زیرند:

۱. اهمیت کمال خود (توسعه خود)
۲. معلم به‌عنوان منبع پایه دانش برنامه درسی
۳. رابطه‌های متقابل هنجارها،

نظر کلاین در باب رویکردهای برنامه درسی در مقاله معروفی با نام «رویکردها به برنامه درسی، نظریه و عمل» ارائه شده است. او در این زمینه به رویکرد سنتی و حالت‌های تئوریک اشاره می‌کند. حالت‌های تئوریک بدیل از نظر کلاین شامل دیدگاه افرادی در حوزه برنامه درسی است که بر فهم خود، نقش معلم، جامعه و برنامه درسی، به‌عنوان یک حوزه مطالعه تأکید دارند. وی در ارتباط با رویکردهای نظریه برنامه درسی معتقد است، زمانی که در حیطه نظریه برنامه درسی، تحقیق و پژوهش و عمل کار می‌کنیم، این امکان وجود دارد که با روش‌های متناوب و جایگزین برنامه درسی

به اجرا درآورند. معلمان به‌گونه‌ای آماده می‌شوند که بتوانند دانش خود را با درجه بالایی از مهارت حرفه‌ای و تربیتی به فراگیرندگان انتقال دهند. وظیفه فراگیرنده نیز یادگیری مواد آموزشی ارائه شده است (همان).

● **رویکرد فهم خود:** در این رویکرد، تأکید بر یادگیری موضوع‌های درسی بی‌چون و چرا، که در آن موضوع درسی به اندازه‌ای مهم است که همه دانش‌آموزان باید به‌طور حتم آن را فراگیرند، به حداقل رسیده است. موضوع درسی سازمان‌یافته تنها تاحدی مهم است که هر دانش‌آموز ارتباط آن را با خود تأیید کند. طرفداران این نظر بیشتر از شخصی‌سازی برنامه درسی دفاع می‌کنند. موضوع درسی تنها تا آن درجه مهم است که دانش‌آموزان تجربه‌هایی داشته باشند و بتوانند معنای شخصی خود از موضوع مورد یادگیری را به آنچه فراگرفته می‌شود پیوند دهند. در این رویکرد، تأمل بر درک مشخصی از محتوا و تجربه هر دانش‌آموز، مشخص است (کلاین، ۱۹۹۱). از نظر کلاین، یادگیری یک کل در نظر گرفته می‌شود و اعتقاد بر این است که فراگیرندگان به‌طور ذاتی برانگیخته شوند. به‌طور معمول، معلم فردی است که همپای دانش‌آموزان فرامی‌گیرد و موضوع‌های مورد علاقه دانش‌آموزان را دنبال می‌کند.

برنامه درسی از فرایند برنامه‌ریزی معلم - دانش‌آموز برمی‌آید. بنابراین، برنامه درسی از درون ذهن دانش‌آموز می‌جوشد و نمی‌تواند به‌وسیله نیروهای خارجی تحمیل



در رویکرد فهم خود، برنامه درسی مطابق با نظر و خواسته و نیاز دانش‌آموز تهیه و تنظیم می‌شود و مدرسه برای رشد شخصی و پذیرش هویت‌های شخصی دانش‌آموزان می‌باید

درسی و معلم به‌عنوان منبع دانش برنامه درسی، به شناخته‌شدن و انجام پژوهش در این‌باره منجر شده است. متخصصان برنامه درسی بر دانش عملی برنامه درسی که معلمان در تصمیمات کلاسی روزانه خود می‌سازند تأکید دارند. اینان معلم را به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی برنامه درسی شناسایی می‌کنند و دیدگاه‌هایی را که معلم را صرفاً تکنسینی که برنامه درسی طرح‌ریزی شده را اجرا می‌کند، رد می‌کنند. آن‌ها از ایده «کمک به معلمان برای تبدیل شدن به تدوین‌کنندگان برنامه درسی» با مهارت دفاع می‌کنند. این رویکرد بر کارهای شواب مبتنی بوده است (کلاین، ۱۹۹۱).

● **رویکرد اجتماعی:** گروهی از متخصصان برنامه درسی

شود. فعالیت‌های کلاسی زمان زیادی برای خویشتن‌نگری و تفکر شخصی در شکل‌ها و روش‌های گوناگون در اختیار قرار می‌دهند. مدرسه باید برای کمک به دانش‌آموزان به‌منظور رسیدن به رشد شخصی و پذیرش هویت‌های شخصی خود سازمان داده شود.

● **رویکرد نقش معلم:** گروهی از متخصصان برنامه درسی با دوری جستن از رویکرد سنتی برنامه درسی، بر اهمیت نقش معلم در برنامه درسی تأکید کرده‌اند. امروزه بر اساس این رویکرد، معلم تأثیری قدرتمند بر آنچه دانش‌آموزان فرامی‌گیرند، دارد. در گذشته، با برنامه‌ها و مواد آموزشی مقاوم در برابر معلم، تلاش‌ها در جهت دور زدن معلم بوده، اما موفقیت کمی داشته است. تأثیر معلم بر برنامه

**برنامه‌ریزان
درسی موافق
رویکرد اجتماعی
از موضوعات و
مسائل اجتماعی
مورد استفاده،
به‌عنوان
محتوای اساسی
برنامه‌درسی،
به‌منظور کمک
به رشد نوعی
نظم اجتماعی
انسانی‌تر و
عادلان‌تر دفاع
می‌کنند**

بر اهمیت تعامل هنجارهای اجتماعی، ارزش‌ها و انتظارات در برنامه‌درسی تأکید دارند. هدف برنامه‌درسی در این رویکرد کمک به ساختن جامعه‌ای بهتر و برقراری ارتباط انسانی رشدیافته (برای ترویج متغیرهای اجتماعی از طریق درگیری بیشتر جامعه پیرامونی) است. صاحب‌نظران نماینده رویکرد اجتماعی بر تأثیر نیروهای اجتماعی بر ساختار تعلیم و تربیت و برنامه‌درسی صریح و ضمنی تأکید دارند. آن‌ها از برنامه‌درسی سنتی و ساختارهای موجود تعلیم و تربیت که بر تداوم بخشیدن نظام آموزشی جاری اصرار می‌ورزند، انتقاد و مکرراً خاطر نشان می‌کنند که ساختارهای فعلی (مانند سطوح کلاس، کتاب‌های درسی، آزمون‌های استاندارد شده و روابط مدیر - معلم) توسط انسان ایجاد شده‌اند و بنابراین باید تغییر یابند (کلاین، ۱۹۹۱). بنابراین، برنامه‌ریزان درسی موافق رویکرد اجتماعی از موضوعات و مسائل اجتماعی مورد استفاده، به‌عنوان محتوای اساسی برنامه‌درسی، به‌منظور کمک به رشد نوعی نظم اجتماعی انسانی‌تر و عادلانه‌تر دفاع می‌کنند. موضوع درسی در این رویکرد، از موضوع‌ها و مسائل جهان فیزیکی و اجتماعی پیرامون دانش‌آموزان و آنچه باید برای بهبود آن انجام شود، برگرفته می‌شود. حوزه‌های محتوایی سازمان‌یافته در شکل‌دیسپلین‌ها مهم هستند، تاحدی که بتوانند از موضوعات و

مسائل متنوع برخوردار باشند. این گروه بر اهمیت برنامه‌درسی مشارکتی برای هر کلاس که در آن دانش‌آموز و معلم فرایندی دموکراتیک را تجربه می‌کنند، تأکید دارند (همان). در بحث از سطوح برنامه‌درسی کلاین می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

■ سطوح برنامه‌درسی

- **برنامه‌درسی دانشگاهی یا آرمانی:** برنامه‌درسی در این سطح بیانگر نوعی برنامه‌درسی است که متخصصان و صاحب‌نظران علمی آن را مدنظر دارند و در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن، ایفای نقش می‌کنند.
- **برنامه‌درسی اجتماعی:** این برنامه‌درسی بیانگر برنامه‌ای است که جامعه به‌طور کلی و مردم و نمایندگان آن‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی، نهادهای قانون‌گذاری، دادگاه‌ها و... در تهیه و تدوین آن نقش دارند.
- **برنامه‌درسی رسمی:** در این سطح، برنامه‌درسی به نهادها و سازمان‌های رسمی محدود است که به‌طور مستقیم در امور آموزش و پرورش درگیر و در آن دخیل هستند. نمونه بارز این نهادها دفترهای برنامه‌ریزی، انجمن‌های معلمان، مدیران و مانند آن هستند.
- **برنامه‌درسی نهادی:** این سطح، بیانگر برنامه‌ای درسی است که در سطح مدرسه پذیرفته شده است و به‌اجرا درمی‌آید و عوامل مؤثر بر آن، نیروهای موجود در سطح مدرسه هستند.
- **برنامه‌درسی آموزشی:** در این

سطح، تصمیم‌های برنامه‌درسی براساس شرایط و مقتضیات هر کلاس درس به‌وسیله معلم صورت می‌پذیرد و به این دلیل اجرایی‌تر و مشخص‌تر است.

- **برنامه‌درسی اجرایی:** برنامه‌درسی اجرایی حاصل مشاهدات و ثبت و ضبط کلیه فرایندهای تعاملی در حین اجرای برنامه‌درسی در کلاس درس است. در اینجا مشاهده‌گر می‌تواند با توجه به آنچه در کلاس درس در عمل اجرا می‌شود و ارتباط متقابل معلم و دانش‌آموزان، برنامه‌درسی اجرایی یا عملی را به تصویر بکشد.
- **برنامه‌درسی تجربی:** این برنامه‌درسی به تجربه‌های دانش‌آموزان از طرح‌های از پیش تنظیم شده و تعامل‌های حاصل از کلاس درس اشاره می‌کند. هر دانش‌آموز بر مبنای علاقه‌ها، ارزش‌ها، توانمندی‌ها و تجربه‌های قبلی خود، به مطالب ارائه شده عکس‌العمل نشان می‌دهد و دست به انتخاب می‌زند. بدین ترتیب، برنامه‌ای منحصر به فرد و شخصی برای هر یک از آن‌ها شکل می‌گیرد که برنامه‌درسی تجربه شده نام می‌گیرد.

منابع

۱. محمود، مهرمحمدی و همکاران (۱۳۸۹). برنامه‌درسی؛ نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها (ویراست دوم). به‌نشر. تهران.
۲. فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۶). برنامه‌درسی به‌سوی هویت‌های جدید. آیتز. تهران.
3. Klein, M. (1991). Approaches to Curriculum Theory and Practices, In: Klein, M. Ed. *The Politics of Curriculum Decision Making*, New York: state university of New York press, Albany.